

تحلیل اثر گذاری نظریه ولایت فقیه بر اندیشه مقاومت در خاورمیانه

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، واحد رشت دانشگاه آزاد

مجید استوار * ID

اسلامی، رشت ایران

کارشناسی ارشد علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی،

علی اکبر دانای درگاه ID

واحد رشت دانشگاه آزاد اسلامی، رشت ایران

چکیده

وقوع انقلاب اسلامی تحت تأثیر اندیشه‌های امام خمینی (ره) و نظریه ولایت فقیه، تغییرات عمیقی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا ایجاد کرد. عملکرد جنبش‌های اسلامی و به طور اخص اندیشه مقاومت در نیم قرن اخیر، تحت تأثیر این نظریه و بازتاب انقلاب اسلامی بوده است. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی چگونگی شکل‌گیری مقاومت در منطقه خاورمیانه و تحلیل چگونگی اثر گذاری نظریه ولایت فقیه بر اندیشه مقاومت در این منطقه می‌باشد. پرسش بنیادی پژوهش حاضر این است که ولایت فقیه چگونه بر ملت‌های منطقه تأثیر گذاشته و موجب شکل‌گیری مقاومت گردیده است؟ (مسئله)؛ در پژوهش حاضر از روش کیفی و رهیافت جامعه‌شناسی سیاسی. استفاده شده است (روش) یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد امام خمینی (ره) با اتکاء بر نظریه ولایت فقیه و سه اصل اساسی عدالت، توجه به آراء و نظرات مردم (مردم‌سالاری) و مقابله با مستکبران عالم در برابر مستضعفان از طریق قدرت نرم در شکل‌گیری خودجوش هسته‌های مقاومت مؤثر بوده و پس از عمق‌یابی و گسترش محور مقاومت، منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه نیز تأمین شده است. (یافته‌ها)

کلیدواژه‌ها: ولایت فقیه، مقاومت، قدرت نرم، خاورمیانه، امام خمینی (ره)

دریافت: ۱۴۰۲-۰۱-۰۲

* نویسنده مسئول ostovar@iaurasht.ac.ir

پذیرش: ۱۴۰۲-۰۳-۰۱

صفحات مقاله: ۱۷۰-۱۴۹

انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ شمسی در ایران به رهبری امام خمینی (ره) و طرح نظریه ولایت فقیه یکی از نقاط عطف در تحولات اندیشه سیاسی اسلام، خصوصاً در منطقه خاورمیانه می‌باشد. امام (ره) که ابداعات متعددی درباره نظریه ولایت فقیه در آثار خود عرضه نموده بود، فرصت یافت تا آن اندیشه را با نگاهی جهان شمول به تحولات جهان اسلام، طی ده سال رهبری خود در ایران عملیاتی سازد و پس از ایشان نیز حضرت آیت اله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)، به عنوان ولی فقیه، ادامه همان مسیر را پیموده و نقش مؤثری در شکل‌گیری جبهه متحد اسلامی در برابر غرب ایفا نموده است.

با وقوع انقلاب اسلامی و کارایی نظریه ولایت فقیه در بسیج سیاسی جامعه، منطقه خاورمیانه و جهان اسلام تحت تأثیر بازتابهای منطقه‌ای و جهانی انقلاب و نوآوریهای سیاسی و معنوی ایران در شکل‌گیری جنبش‌های سیاسی جدید در برابر ایدئولوژی‌های رقیب قرار گرفت. تاپیش از انقلاب اسلامی جنبش‌های مقاومت می‌تی بر افکار و ایدئولوژی‌های چپ و ناسیونالیسم و تقدم عربی‌گرایی بر اسلام‌گرایی بودند و از عناصر مشترک نظیر رهبری و ایدئولوژی بسیج‌کننده فراگیر برخوردار نبودند و ایده ولایت فقیه در بستر اسلام سیاسی بدیلی بود که می‌توانست جایگزین ایدئولوژی‌های دیگر گردد. شکل‌گیری نهضت‌های مقاومت مقابل رژیم اسرائیل، مقاومت در برابر دخالت‌های قدرت‌های بزرگ در منطقه خصوصاً ایالات متحده و شوروی و استقرار ایدئولوژی مقاومت مقابل ایدئولوژی‌های رقیب بخشی از بازتابهای نظری انقلاب اسلامی و ولایت فقیه در جهان اسلام بوده است. فراتر از تقابل‌های ایدئولوژیک موجود، ایران کانون مرکزی صدور ایده‌های انقلاب آفرین بوده است که تحت زعامت ولایت فقیه امکان انتقال و اثربخشی داشته است. بنابراین ظهور جنبش‌های اسلامی در نیم قرن اخیر، تحت تأثیر نگاه و اندیشه سیاسی عملیاتی شده در ایران اسلامی بوده‌اند و بارها این مسئله از سوی رهبران این جنبش‌ها، اعم از شیعه و سنی در لبنان، یمن، فلسطین، عراق، بحرین و عربستان و حتی نویسندگان غربی مورد تأکید قرار گرفته است. بر همین اساس «میشل فوکو» در تبیین اهمیت تاریخی انقلاب اسلامی و تاثیرگذاری ایده‌های معنویت‌گرایانه آن در منطقه خاورمیانه بر ویژگی‌های منحصر به فرد آن توجه دارد که ایران و منطقه را دستخوش تغییر کرده است (Carrette, 1999: 1-49) و «نیکی کدی» ابعاد تاثیرگذاری ایده‌های انقلاب اسلامی را الهام‌بخش جریان‌های اسلامی در جهان اسلام می‌داند که در مقابل امپریالیسم آمریکا و رژیم پهلوی ایستاد و از راه‌های بومی‌گرایانه و

ایدئولوژی‌های بومی برای مبارزه بهره برد. (Keddi, 1995: 119). این ویژگی‌های منحصر به فرد را می‌توان در بروز و ظهور اندیشه مقاومت در جهان اسلام جستجو کرد. با توجه به موقعیت استراتژیک ایران در جهان اسلام و خاورمیانه از یک سو و اهمیت مقاومت و عوامل تاثیرگذار بر آن از سوی دیگر به نظر می‌رسد واکاوی بنیادین رابطه نظریه ولایت فقیه و اندیشه مقاومت، بیش از پیش از ضروری است و لازم است ابعاد این تاثیرگذاری تبیین گردد. فلذا این پرسش طرح می‌شود که ولایت فقیه چگونه و با چه راه کارهایی بر اندیشه مقاومت در منطقه خاورمیانه تأثیر می‌گذارد؟ بر همین اساس این فرضیه شکل می‌گیرد که ولایت فقیه با بهره‌گیری از منابع قدرت نرم بر اذهان پیروان در منطقه خاورمیانه اثر گذاشته و موجب شکل‌گیری مقاومت گردیده است. در این پژوهش تلاش می‌شود با بررسی جنبه‌های مختلف نظریه ولایت فقیه با تأکید بر نظریه حضرت امام خمینی (ره) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و اندیشه مقاومت، تأثیر ولایت فقیه بر شکل‌گیری هسته‌های مقاومت در خاورمیانه مورد واکاوی قرار گیرد. روش پژوهش حاضر کیفی و رهیافت آن جامعه‌شناسی سیاسی است که ابعاد جامعه‌شناختی اندیشه مقاومت را در قالب جامعه‌شناسی سیاسی مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد.

۱-پیشینه پژوهش

با بررسی صورت گرفته، پژوهش‌هایی درباره نظریه ولایت فقیه و نقد و نظرات پیرامون آن و شکل‌گیری اندیشه مقاومت با بهره‌گیری از اندیشه‌های رهبری انقلاب به رشته تحریر درآمده است اما به طور خاص کمتر تأثیر ابعاد قدرت نرم ولایت فقیه بر اندیشه مقاومت مورد واکاوی قرار گرفته است. در ادامه به تعدادی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود.

«برایان کاتز» (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «محور در حال گسترش، استراتژی منطقه‌ای در حال تحول ایران و مشارکتهای غیردولتی در خاورمیانه» به مداخله ایران در جنگهای سوریه، عراق و یمن و گسترش قدرت محور مقاومت با تمرکز بر حزب الله و رژیم سوریه پرداخته است. از نگاه وی ایران با نفوذ پایدار خود از اهداف تدافعی به اهداف تهاجمی در منطقه خاورمیانه روی آورده و باعث ایجاد قدرت جدید نظامی، مشروعیت سیاسی و ذهنیت منطقه‌ای مشترک در میان شرکای منطقه‌ای خود شده است. این پژوهش به ویژگی فکری و فرهنگی تاثیرگذار بر اندیشه محور مقاومت توجه نکرده است و صرفاً بر زمینه‌های سیاسی مبارزه محور مقاومت در منطقه خاورمیانه متمرکز بوده است.

«سعید صلح میرزایی» (۱۳۹۸)، در کتاب «اندیشه مقاومت از منظر حضرت آیت اله خامنه‌ای»، با بررسی اندیشه‌های رهبری به تدوین نظرات وی درباره مقاومت پرداخته و منظومه فکری ایشان در باب مقاومت را تبیین نموده است. پژوهش حاضر نیز ریشه‌های فکری و فرهنگی شکل‌گیری اندیشه مقاومت و نقش تأثیر گذار ولایت فقیه را مورد بررسی قرار نداده است.

«محمد رضا دهشیری» (۱۳۹۰)، در کتاب بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین الملل عمدتاً به تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی بر روابط بین الملل پرداخته و به چگونگی شکل‌گیری محور مقاومت و اثرگذاری آن بر مناسبات بین المللی و قدرتهای بزرگ واقعی نهاده است. بنابراین در تمایز با این اثر تلاش می‌شود ابعاد فکری و فرهنگی انقلاب اسلامی با تمرکز بر تأثیر نظریه ولایت فقیه بر محور مقاومت مورد توجه قرار گیرد.

«صادق افتخاری» (۱۳۸۷)، در کتاب «مقاومت در اسلام (نظریه و الگو)»، ضمن بررسی مفهوم مقاومت از منظری تحلیلی، نظام معنایی و ساخت نظری مقاومت متناسب با مبانی اسلامی را ارائه و راهبردها و سیاست‌های مقاومت را بر اساس یافته‌های نظری خود، ارائه نموده است. علی‌رغم تمرکز کتاب بر ابعاد نظری شکل‌گیری مقاومت در اسلام، نویسنده به سرخوردگی و به نتیجه نرسیدن جنبش‌های اسلامی تا پیش از انقلاب اسلامی نپرداخته است و تمرکز بر این موضوع از وجوه اصلی تمایز مقاله حاضر با پژوهش صورت گرفته است.

«محمد جواد رنجکش» (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های بیداری اسلامی با تأکید بر مفهوم اشاعه‌سازانه‌نگاری» ضمن اشاره به بهره‌گیری انقلاب اسلامی از مفاهیم اسلامی، معتقد است غنای محتوایی و معنایی انقلاب اسلامی به طور خودجوش بر جنبش‌های بیداری اسلامی و اندیشه مقاومت در منطقه خاورمیانه اثر گذار بوده است. همچنین «مهدی هدایتی شهیدانی» (۱۳۹۹)، در کتاب «محور مقاومت، شرحی بر ویژگی‌ها و وجوه مختلف» ضمن بررسی مفهوم مقاومت از ابعاد نظری، به تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش‌های مقاومت منطقه و جهان اسلام و تأثیرات آن بر حوزه روابط بین الملل پرداخته است. نویسندگان این آثار بر عنصر تأثیر گذار و بسیج‌کننده نظریه ولایت فقیه بر محور مقاومت بی‌توجه بوده‌اند.

«سید حسین اطهری» و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های اخیر خاورمیانه با تأکید بر مفهوم اشاعه نظریه سازانه‌نگاری» به این موضوع اشاره می‌کند که سازانه‌نگاران هنگام تبیین رفتارکنش گران بر اولویت متغیرهای غیر مادی و به طور مشخص هنجارها، فرهنگ، هویت و اندیشه‌ها تأکید دارند و می‌توان با استفاده از

مفروضات هستی‌شناسانه این مکتب و با تاکید بر مفهوم هویت، به تشریح هنجارها و ارزش‌های برگرفته از انقلاب اسلامی ایران از سوی جنبش‌های بیداری اسلامی پرداخت. وی در یک تقسیم‌بندی کلی اشاعه ارزش‌ها، فرهنگ‌ها و هویت انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های بیداری اسلامی را در قالب دو دسته کلی اشاعه هویتی و اشاعه هنجاری — فرهنگی مورد بررسی قرار داده است. نویسندگان اثر حاضر تلاش نمودند ابعاد تاثیرگذار انقلاب اسلامی را در بروز و ظهور جنبش‌های مبارزاتی خاورمیانه مورد بررسی قرار دهند و کمتر به خصلت‌های رهبری و نقش ولی فقیه در بسیج سیاسی در این جنبش‌ها اشاره کرده‌اند.

«زهره پوستین چی» (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «انقلاب اسلامی ایران و برسازی هنجار سیاسی مقاومت در روابط بین‌الملل» به بررسی موضوع اثر گذاری انقلاب اسلامی بر جریان مقاومت در جهان اسلام پرداخته و از زاویه روابط بین‌الملل به این مقوله نگریسته است. او معتقد است انقلاب اسلامی، شکل‌بندی جدیدی را در سیاست بین‌الملل پایه‌گذاری کرده که براساس نشانه‌شناسی پُست مدرن ظهور کرده و مفهوم مقاومت، محور اصلی کنش سیاسی بازیگران این عرصه محسوب می‌شود. نویسنده در این مقاله صرفاً بر تاثیرگذاری ابعاد سیاسی و بین‌المللی انقلاب اسلامی بر جریان مقاومت پرداخته و به زمینه‌های فرهنگی ولایت فقیه و نقش آن در ظهور جنبش‌های متنوع مقاومت در جهان اسلام بی‌توجه بوده است.

«ابراهیم برزگر» (۱۳۹۴)، نیز در کتاب «نظریه‌های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران» با استفاده از نظریه پخش و نظریه سیستم‌ها و نظریه مبادله «هومنز» و نظریه تحلیل و پیش‌بینی و نظریه اندیشه‌شناختی و چارچوب مفهومی سبدهای چهارگانه در تأثیرات فراملی انقلاب اسلامی، به بررسی بازتاب اندیشه انقلاب اسلامی بر جنبش‌های اسلامی خاورمیانه پرداخته است. این اثر علی‌رغم کیفیت چارچوب نظری و مباحث مطروحه به ابعاد تاثیرگذاری ایده ولایت فقیه و ایدئولوژی بسیج‌کنندگی اسلام شیعی بر جنبش‌های مقاومت اسلامی بی‌توجه بوده است.

«محمد داوند» و همکاران (۱۳۹۷)، نیز در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر انقلاب اسلامی بر هندسه قدرت مقاومت اسلامی در غرب آسیا» به تأثیرات ایدئولوژیک انقلاب اسلامی بر جنبش‌های اسلامی، از جمله شکل‌گیری حشدالشعبی و تقابل با داعش در عراق و سوریه، پرداخته و مدعی است، آنچه که جریان مقابل محور مقاومت در منطقه، تحت عنوان «هلال شیعی» مطرح می‌نماید، در واقع انعکاس اثرپذیری و پیوند هویت مقاومت با مذهب تشیع و آرمان‌ها و اصول این مذهب می‌باشد. اثر حاضر نیز بر جنبه‌های سیاسی و عقیدتی اسلام بر نهضت مقاومت متمرکز بوده است.

این در حالی است که مقاله حاضر با تمرکز بر عناصر قدرت نرم به تاثیرگذار ایده ولایت فقیه بر اندیشه مقاومت می‌پردازد.

تقریباً تمامی پژوهش‌های صورت گرفته درباره موضوع مقاومت اسلامی و بررسی وجوه مختلف آن در تطبیق با نظریات مختلف روابط بین‌الملل استوار بوده و در برخی از آثار نیز به جنبه‌های جامعه‌شناختی اثرگذاری انقلاب اسلامی بر محور مقاومت پرداخته شده است. این پژوهش‌ها به عناصر نمادین و بسیج‌کننده ولایت فقیه بر اندیشه مقاومت توجهی نکرده‌اند و با توجه به این غفلت، به نظر می‌رسد نوآوری پژوهش حاضر، بررسی اثرگذاری نظریه مبنایی انقلاب اسلامی، یعنی ولایت فقیه بر شکل‌گیری مقاومت در منطقه می‌باشد.

۲- مبانی نظری پژوهش

۱-۲- مقاومت

مقاومت در زبان فارسی و انگلیسی، معنای لغوی مشابهی دارد که بر ایستادگی و استقامت و تحمل و ممانعت دلالت دارد. بر این اساس دو حوزه معنایی می‌توان برای مقاومت ترسیم نمود. از بُعد سلبی، «مقاومت»، ایستادگی در برابر کسی یا چیز دیگری است که قصد آسیب رساندن به او را دارد. این معنا از مقاومت در قالب ایستادگی، خودداری، مانع شدن، دفاع، جنگیدن و رد نمودن، بیان شده و از شمولیت بیشتری برخوردار است. از بُعد ایجابی، «مقاومت» افزون بر دلالت سلبی، دارای بار معنایی ایجابی نیز است که در معنای ای چون «راست ایستادن»، «توان و قدرت داشتن» دیده می‌شود. (افتخاری، ۱۳۹۹: ۸۱-۷۹)

در گفتمان اسلامی؛ مقاومت، به معنای دفاع، ایستادگی، تسلیم خواسته طرف مقابل نشدن و تلاش در جهت تحقق بخشی به اراده خویشتن، مفهوم وسیعی است که در همیشه تاریخ بشر و در همه عرصه‌ها و حتی در دو جبهه حق و باطل وجود داشته و دارد. مقاومت اسلامی نیز در اصطلاح، دو مفهوم عام و خاص را در بردارد، در مفهوم عام، شامل هر نوع مقاومتی که بر اساس آموزه‌ها و احکام دین توسط یک مسلمان و یا گروهی از مسلمانان در مقابله با تهاجم دشمنان اسلام و مسلمانان در هر مکان و هر زمان شکل می‌گیرد. اما در مفهوم خاص که شامل عبارت «محور مقاومت اسلامی» می‌باشد، عبارت است از مقاومت کشورها، سازمان‌ها، گروه‌ها و افراد بر مبنای اندیشه سیاسی اسلام در برابر تهاجم نظام سلطه و متحدان آن که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و همسوی این انقلاب، در سطح منطقه و با محوریت مسئله فلسطین و مقاومت در

برابر تجاوزات اسرائیل تبلور یافت. در سال‌های بعد نیز مقاومت در برابر تجاوزات آمریکای و متحدان آن نیز بر آن افزوده شد. (هدایتی شهیدانی، ۱۳۹۹: ۲۵).

۲-۲- قدرت نرم و ویژگی‌های آن

از نظر «جوزف نای»، قدرت نرم به معنای شکل دادن به علایق و اولویت‌های دیگران است، (Ney, 1990: 157) به نحوی که افراد بدون زور و اجبار تحت تأثیر جذابیت‌های طرف مقابل قرار بگیرند. این جذابیت را می‌توان در عناصر مختلفی نظیر فرهنگ، عقاید سیاسی و سیاست‌های اعمال شده توسط یک کشور جستجو نمود. به بیان دیگر، توانایی برقراری ارتباط با مردم سایر کشورها و جلب حمایت آن‌ها از خواسته‌های خود، از عوامل تأمین کننده امنیت و منافع خواهد بود. در تعاریف دیگری از قدرت نرم به اشغال فضای ذهنی کشورهای دیگر از طریق ایجاد جاذبه در ذهن ملت‌ها، توانایی شکل دهی به ترجیحات دیگران و قدرت ناشی از عقاید و باورهای دینی یک ملت نیز اشاره می‌شود. (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۳۶-۶۸). در یک تعریف کلی می‌توان ادعا نمود، قدرت نرم یعنی توانایی تأثیرگذاری بر رفتار دیگران از طریق استفاده از عناصر معنایی قدرت، مانند جذابیت، فرهنگ و تولیدات فرهنگی، ارزش‌ها، باورها و عقاید دینی و نظایر آن. بنابراین قدرت نرم یک رابطه است ولی از نوع رابطه سلسله مراتبی نیست و فرایند مناسباتی است که در رابطه فرد با خدا، در رابطه اجتماعی، رابطه سیاسی و رابطه انسانی معنا و مفهوم پیدا می‌کند. این قدرت به نوعی بر ذهنیت استوار است و از جنس اقناع و فراگیر است. همچنین ماهیتی پویا و تحول پذیر دارد و از آنجا که با روح و احساس انسان‌ها سر و کار داشته به گونه‌ای است که بازیگران مختلف می‌توانند بدون تولید تعارض، به تولید آن همت گمارند. (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۱۸)

۳-۲- منابع قدرت نرم

فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی: فرهنگ عبارت است از مجموعه‌ای از آداب و رسوم، اخلاقیات، اعتقادات و ارزش‌هایی که از طریق جامعه‌پذیری از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. دین و ایدئولوژی: دین و مذهب به عنوان مهم‌ترین کانون ساطع کننده ارزش‌ها و باورهاست.

سیاست‌گذاری عمومی و کارایی: سیاست عمومی در حقیقت همان سیاست‌گذاری‌های یک نظام سیاسی در عرصه داخلی است که در حوزه‌های مختلف صورت می‌پذیرد. امروزه برای سیاست عمومی پنج عملکرد اساسی؛ استخراجی، توزیعی، تنظیمی، یکپارچگی و نمادین ترسیم

می‌نمایند که در واقع همان برون دادها یا اقداماتی است که دولت‌ها به منظور دستیابی به اهداف‌شان اتخاذ می‌کنند، بنابراین هر قدر عملکردهای فوق تقویت شود، قدرت ملی و به ویژه قدرت نرم نظام، قوی‌تر تولید می‌شود. در واقع سیاست‌گذاری عمومی و کارایی در تولید مقبولیت و مشروعیت تأثیر مهمی دارد. وقتی مقبولیت و مشروعیت نظام افزایش یابد به معنای این است که قدرت نرم نظام افزایش یافته است.

دانش و فناوری: دانش و فناوری، به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی که از شرایط محیطی متأثر است و به نوبه خود بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد، مهم‌ترین مؤلفه قدرت جوامع در عرصه بین‌المللی محسوب می‌شود. از نظر صاحب‌نظران، نوآوری‌های فناورانه بر ثروت، قدرت، الگوهای فرهنگی، کار و روابط افراد اثر می‌گذارد.

اعتبار، منبع اصلی قدرت نرم به شمار می‌رود. جوامع عمدتاً به دنبال افراد معتبر هستند و در مقابل، اعتبار کسب شده نیز موجب تقویت جامعه می‌شود.

سابقه تاریخی، مثلاً اشتهار به داشتن الگوی دینداری و اصول‌گرایی که مقبول پیروان ادیان است یا آزادی و دموکراسی که مقبول طبقات متوسط است.

نظام آموزشی-پژوهشی قدرتمند؛ که در جامعه‌پذیری بهینه و ارائه الگوی موردپسند یک جامعه به سایر جوامع نقش اساسی دارد.

منابع ارزشی و اخلاقی قدرت نرم؛ که بر توان شکل دادن به ترجیحات و ارزش‌های دیگران استوار است. اگر یک کشور ارزش‌هایی ارائه کند که دیگران خواهان پیروی از آن باشند، برای رهبری نیاز به هزینه کمتری خواهد داشت.

منابع قدرت نرم با طیفی از رفتارهای متقاعدکننده همراه است، در حالی که منبع قدرت سخت، مبتنی بر رفتارهای فرماندهی و اطاعت‌پذیری می‌باشد. تحقق اهداف این منابع به معنای گام گذاشتن در مسیر تحقق اهداف قدرت (به‌طور کلی) بدون بهره گرفتن از ابزارهای قدرت سخت می‌باشد (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۶۰-۲۲۳). بر این اساس در ادامه الگوی رفتاری ولی فقیه در ایران بر مبنای این قدرت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳- مظاهر قدرت نرم در الگوی رفتاری ولایت فقیه

انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) دو مساله جدایی‌ناپذیرند، از این رو فهم گفتمان انقلاب اسلامی بدون فهم درست مکتب امام خمینی (ره) میسر نمی‌شود و مستلزم شناخت صحیح از اندیشه‌ها، دیدگاه‌ها و به‌طور دقیق‌تر مکتب امام خمینی (ره) در تمامی ابعاد جامعه، چه در

سطوح فردی یا در سطحی کلان، سراسر جامعه یا امت اسلامی است. امام خمینی (ره) با استفاده از قدرت مردم و با تکیه بر ایمان مردم و ظهور واژه‌هایی جدید نظیر؛ مستضعفان، جنگ بین فقر و غنا، نبرد میان راحت طلبی و جهاد، نظم پیشین را از میان برد و نظم نوینی را در جهان معاصر حاکم کرد که منبع قدرت آن توده‌های مردم است. در واقع می‌توان گفت قدرت در مکتب امام خمینی (ره) متأثر از اصول و آموزه‌های گفتمان اسلامی، ماهیتی نرم‌افزارگرایانه دارد و تجربه جمهوری اسلامی ایران نشان داده که با بهره‌مندی از این قدرت است که می‌توان نسبت به دفع تهدیدات بزرگی همچون جنگ تحمیلی، در عین کمبودها و ضعف‌های مادی و عزم بین المللی بر ضد ایران، اقدام نمود. به طور کلی از تحلیل الگوی رفتاری و مدیریتی امام خمینی (ره) می‌توان اصول زیر را استنتاج نمود:

محوریت ارزش‌های دینی در فهم و عمل قدرت

تربیت قدرت سیاسی

اراده مردم و قدرت

رضایت مردم و قدرت

این اصول چهارگانه از جمله مواردی است که مکتب امام به عنوان الگوی قدرت نرم در جهان معاصر ارائه نموده است. با این تفسیر، تصویر تازه‌ای از قدرت نرم شکل می‌گیرد که به مقتضای ماهیت گفتمان سیاسی اسلام بر بنیاد رابطه خدا — انسان (به عنوان خالق — مخلوق) قرار دارد. در این الگو، ابعاد الهی آن با تاکید بر تربیت و ارزش‌های دینی مورد توجه قرار گرفته و ترکیبی مناسب و کارآمد پدید می‌آید که نمونه بارز آن را می‌توان در نهضت امام خمینی (ره) مشاهده کرد. ملت ایران در دوره انقلاب با گذاری از سخت‌افزارگرایی متعارف به الگوی نرم افزارگرایی دینی به مدیریت بحران‌ها در میدان سیاسی پرداخت و جنبش‌هایی همانند حزب الله، انصارالله، جهاد اسلامی و... از جریانهای فعال سیاسی در منطقه هستند که این الگورا پذیرفته و بر مبنای آن عمل نموده‌اند. (باقری دولت آبادی، ۱۳۹۹: ۱۹-۱۸). در گفتمان ولایت فقیه، قدرت اصولاً ارزش راهبردی ندارد و بیشتر ابزاری مهم برای تحقق اهداف راهبردی معرفی می‌شود. بنابراین؛ نظریه مقاومت اسلامی در صورتی ارزشمند و معتبر است که مقید به اصول دینی و مبتنی بر معرفت و آگاهی باشد. این تلقی با قدرت برآمده از زور، که قادر به تحمیل خود و پذیرش آگاهانه از سوی مخاطب است، متفاوت است. همچنین در گفتمان امام (ره)، سیاست اسلامی ماهیتی جمعی دارد و در آن خیر عموم که همان نیل به سعادت همگان باشد محوریت دارد. در

همین چارچوب می‌توان شکل‌گیری مقاومت را تحت تأثیر اندیشه سیاسی امام (ره) تفسیر کرد. درباره منشأ پیدایش مقاومت اسلامی نظرات مختلفی وجود دارد. برخی «سید جمال الدین اسدآبادی» را بنیانگذار بیداری اسلامی و آغازگر مقاومت اسلامی می‌دانند و برخی دیگر مقاومت اسلامی را زاینده اندیشه امام خمینی (ره) می‌شمارند. نظرات مختلف در این حوزه را به دو گروه درون زا و برون زا تقسیم می‌کنند. بر اساس نظریه‌های برون زا، تولد گفتمان مقاومت اسلامی ناشی از نیازها و اجتهاد درونی نیست بلکه، واکنش طبیعی مسلمانان در برابر گفتمان غربی و هژمون شدن آن می‌دانند. حامیان نظریه‌های درون زانیز، معتقدند گفتمان مقاومت اسلامی، اگرچه در تضاد با گفتمان غربی خود را معرفی کرده، ولی نتیجه نیازها و حرکات درونی دنیای اسلام نیز می‌باشد. انقلاب اسلامی ایران به عنوان برون‌داد نظریه ولایت فقیه امام خمینی (ره) از طرق مختلف در توسعه و تکثیر گفتمان مقاومت نقش داشته است. عناصر این انقلاب از جمله مبارزه، ایدئولوژی اسلام سیاسی، ایستادگی، نهراسیدن از مرگ و شهادت و رهبری دینی، توجه بسیاری از مسلمانان را به خود جلب کرد. از این بُعد گفتمان مقاومت تحت تأثیر قدرت نرم امام بوده است. امام خمینی (ره) در دوره‌های مختلف، همواره بر فرهنگ مقاومت تاکید می‌کردند، ایشان می‌فرمایند: «من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمان‌ها در جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی ندارد که مسلمان‌های جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه‌طلبی و فزون خواهی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان، با تمام وجود تلاش کنیم و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است زیرا بسیج تنها منحصربه ایران اسلامی نیست. باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد.» (ناظمی اردکانی، ۱۳۹۷: ۶۹-۷۲). پیوند هویت مقاومت با مذهب شیعه، در غرب آسیا و خاورمیانه منعکس شده است. آنچه که به عنوان هلال شیعی از سوی نظریه پردازان عرب و مقامات برخی از کشورهای محافظه کار منطقه خاورمیانه مطرح می‌شود. از علل و عوامل پذیرش قدرت نرم ولایت فقیه توسط ملت‌های خاورمیانه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

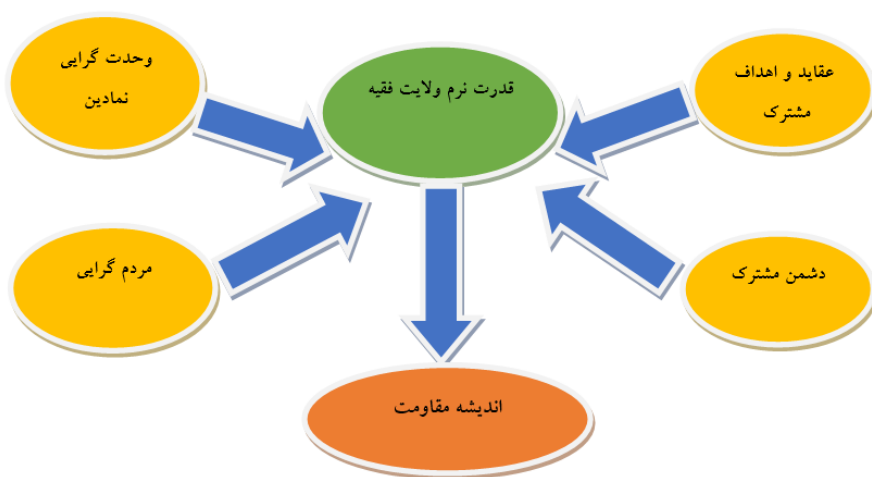
وجود عقیده مشترک؛ خدای واحد، پیامبر واحد، قبله واحد و کتاب مقدس واحد

دشمن مشترک؛ آمریکا و رژیم صهیونیستی (استکبار جهانی)

هدف مشترک؛ استقرار حکومت اسلامی، حکومت بر مبنای ارزش‌های اسلامی وحدت‌گرایی؛ ولی فقیه با تأسی از اسلام ناب محمدی (ص) و با استفاده از ایجاد دارالتقریب فرق اسلامی، گرامیداشت روز جهانی قدس، برگزاری هفته وحدت، سازمان کنفرانس اسلامی و... باعث اتحاد هرچه بیشتر مسلمانان می‌شود.

مردم‌مداری؛ مردم‌گرایی انقلاب اسلامی عامل دیگری در گسترش انقلاب و پذیرش آن از سوی ملل مسلمان بوده است. (داوند و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۴-۹۲)

به‌طور کلی اندیشه ولایت فقیه که مبین تحول‌دکترین تازه‌ای بود که برای نخستین بار پس از انتشار کتاب ولایت فقیه امام خمینی (ره) به سان یک ایدئولوژی انقلابی در قالب گفتمان مقاومت، زمینه لازم را برای طغیان علیه نظام سیاسی موجود فراهم ساخت. در نتیجه انقلابی اسلامی که نتیجه و محصول اندیشه مقاومت در جامعه ایرانی بود، به نماد مقاومت اسلامی بدل شد. (جوادی ارجمند و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۸۰)



۴- ابزار اثرگذاری ولایت فقیه بر جنبش‌های مقاومت

بی‌گمان رهبران انقلاب اسلامی با هرگونه کشورگشایی و گسترش مرزهای جغرافیایی مخالف بودند ولی همواره به گسترش مرزهای اندیشه‌ای و گفتمانی خود پافشاری می‌کردند. امام خمینی (ره) در خصوص موضوع صدور انقلاب اسلامی می‌گویند: «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم، چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله (ص) بر تمام جهان طنین بیفکند، مبارزه هست و تا مبارزه هست و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه

مستکبرین هست، ما هستیم.» (امام خمینی، ۱۳۷۱، جلد ۱۱: ۲۶۶). البته منظور امام (ره) از صدور انقلاب، هیچ‌گاه عملیات نظامی و رویکرد سخت‌افزارانه نبود، منظور امام (ره) بیداری مسلمانان و بازگشت آن‌ها به خویشتن اسلامی خود بود. ضمن اینکه خواهان کوتاه کردن دست کشورهای خارجی از منابع کشورهای اسلامی و در نتیجه مقابله با استعمارگران بودند. در این تفکر که مبتنی بر اصالت دادن بر ملت‌هاست، بیداری و خودآگاهی ملت‌ها مورد اهتمام قرار گرفته و آن‌ها را به قیام فرامی‌خواند، تا خود به این آگاهی برسند که نباید به سکون و سکوت رضایت داد، باید اقدام کرد و در تغییر سرنوشت خود دخیل بود. صدور انقلاب از نظر امام (ره) تأکید بر تقویت ارزش‌ها در داخل و ارائه یک نمونه و الگو برای مسلمانان و ملت‌های آزاده در خارج بود که با اشاعه ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب تحقق می‌یافت. (ابوالحسنی شیرازی، ۱۳۸۸: ۲۱۴). بر مبنای چارچوب نظری و مدل ارائه شده، جمهوری اسلامی از طریق کار فرهنگی و فکری، نمادسازی و حمایت به تقویت قدرت نرم خود در میان جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه مبادرت می‌کند. در ادامه با بررسی فعالیت سه جنبش حزب الله لبنان، انصارالله یمن و جهاد اسلامی فلسطین، عملکرد محور مقاومت در سپهر نظری ولایت فقیه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۴- اسلام سیاسی

امام خمینی (ره) با رهبری انقلاب اسلامی توانست اسلام را از لابلائی کتاب‌ها، مساجد و خانه‌ها خارج و در متن جامعه پیاده کند. در واقع وی پیاده‌سازی اسلام ناب در متن جامعه را آغاز نمود و الگوی موثری برای رهبران و جنبش‌های اسلامی شد. به واقع گفتمان اسلام سیاسی از یک سو محور اصلی انقلاب اسلامی و صدور آن در کشورهای اسلامی محسوب می‌گردد و از سوی دیگر به معنی گذار از صورت بندی و ساختار قدرت محور سیاست جهانی تلقی می‌شود. (متقی، ۱۳۹۷: ۳۰۲). بنابراین می‌توان مدعی شد اسلام سیاسی مهمترین وجه بازتاب انقلاب اسلامی و نفی مدرنیته و غرب ستیزی مهم‌ترین ویژگی سلبی آن است که به دنبال پیراستن فرهنگ بومی و ملی از نفوذ فرهنگ غربی و استعماری است. (قهرمانپور، ۱۳۹۴: ۱۸۹-۱۸۸). رهبران جنبش‌های اسلامی (حزب اله لبنان، انصاراله یمن و جهاد اسلامی فلسطین) در اعلام مواضع خود بر اسلام سیاسی تأکید دارند. از جمله؛ شهید سید عباس موسوی (دیرکل سابق حزب الله) می‌گوید: «پیروزی انقلاب اسلامی ایران اعتماد به نفس را به مسلمانان بازگرداند و آن‌ها را از میزان قدرت و توانایی که در اسلام و اندیشه‌های اسلامی نهضت است، آگاه ساخت. مقاومت اسلامی در لبنان هم از انقلاب اسلامی شکل گرفت.» «سید حسن نصرالله» در این زمینه می‌گوید:

«اسلام برای ما دین مسجد و مدرسه و دولت و نهادهای آن است. دین قادر به برپایی انقلاب و اقامه دولت است همانگونه که در ایران ثابت شد که اسلام قادر است در مشکل‌ترین شرایط و بدترین تهدیدها، انقلاب بر پا و دولت اقامه کند» (بهروز، ۱۳۹۸: ۳۳)

همچنین جهاد اسلامی تحت تأثیر آموزه‌های انقلاب اسلامی خط بطلانی بر نظریه جدایی دین از سیاست کشید و آیین اسلام را به عنوان خط مشی مبارزاتی خود اعلام نمود در جهاد اسلامی تشکیل دولت فلسطین و نابودی اسرائیل با توسل به مبارزه مسلحانه از اهداف اساسی جنبش اعلام شده است. (جاویدی، ۱۳۹۳: ۷۵) بنابراین محور مقاومت با طرد ایدئولوژی نظام سلطه و هژمون و ترویج ایدئولوژی اسلامی، قدرت‌های مسلط و هژمون را به چالش کشید و با تاکید بر گفتمان شیعی و مبارزه با رژیم اسرائیل تمایز آشکار خود را با دیگر جنبش‌ها و نهضت‌ها آشکار ساخت. (عسگری کرمانی و معین آبادی بیدگلی، ۱۴۰۰: ۱۴۲).

۲-۴- رهبری دینی (نظریه ولایت فقیه)

انقلاب اسلامی ایران بر اساس نظریه ولایت فقیه بنیان‌گذاری شده و با توجه به جایگاه آن در صورت‌بندی هویتی جمهوری اسلامی، ولی فقیه نقش محوری و بنیادی در سیاست داخلی و خارجی ایران دارد. این جایگاه برجسته سبب ثبات و استمرار جهت‌گیری‌های ایران در عرصه داخلی و بین‌المللی می‌شود. آیت الله خامنه‌ای در تداوم راه امام خمینی (ره)، بر بی‌اعتمادی به غرب، ضرورت مبارزه با سلطه طلبی غرب، جایگاه ویژه فلسطین و جهان اسلام در سیاست خارجی و اهمیت صدور هویت و اسلام سیاسی شیعی تاکید دارند. (قهرمانپور، ۱۳۹۴: ۲۳۱-۲۳۰). حزب الله لبنان که بیشترین تأثیر را از این ابعاد نظری پذیرفته است، خود را پیرو مطلق و مطیع محض ولی فقیه معرفی می‌نماید. اصلی‌ترین ویژگی حزب الله در مقایسه با سایر گروه‌های اسلام‌گرای شیعه در جهان عرب، پذیرش کامل نظریه ولایت فقیه است و این از عوامل اصلی ادغام مجموعه‌های کوچک اسلام‌گرا در لبنان در سال ۱۹۸۲ و تشکیل حزب الله بوده است. اعضای شورای مرکزی حزب همگی به ولایت فقیه و پیروی از امام خمینی (ره) و مقاومت علیه اسرائیل اعتقاد داشتند. حزب الله معتقد است؛ در زمان غیبت کبرا، فرد معینی به عنوان نایب امام زمان (عج) مشخص نشده است، اما با توجه به روایاتی که از امامان معصوم علیهم السلام و توفیق شریف امام زمان (عج) رسیده، شیعیان موظفند از نواب آن ائمه اطهار، که همان فقهای واجد شرایط هستند، پیروی کنند. درون مایه اصلی ولایت فقیه این تفکر است که زمانی که امام معصوم در غیبت است، فقیه عادل، رهبر جامعه و ضامن اجرای احکام الهی باشد. طبق چنین طرز تفکری،

ولایت فقیه از شئون حکومت الهی به شمار می‌رود و قهراً از حکومت‌های موجود در جهان متفاوت بوده، از سنخ حکومت انبیا و اوصیاء است که در آن حاکم اصلی خداوند است و فقیه تبیین کننده و مجری آن می‌باشد. (کربلایی پازوکی، ۱۳۹۸: ۱۱۷)

همچنین حزب الله، رد قطعنامه ۴۲۵ سازمان ملل متحد مبنی بر شناسایی اسرائیل را، به حکم ولی فقیه ارجاع داده و می‌گوید: اگر ولی فقیه پس از عقب نشینی از جنوب لبنان، فتوایی برای نابود کردن اسرائیل صادر کند حزب الله خود را موظف به اجرای آن خواهد دانست. «صفی الدین» از رهبران حزب الله در مصاحبه با نشریه راه مردم می‌گوید: «اطاعت از ولایت فقیه جزء تکالیف ما است....» سید حسن نصرالله نیز توانمندی حزب الله را در تبعیت از ولایت فقیه معرفی می‌کند (بهرروز، ۱۳۹۸: ۳۵). رهبران حزب الله، امام خمینی (ره) را امام خود و آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) را مرجع، رهبر و مقتدای خود می‌دانند و به ایران علاقه مند و به مردم ایران مانند مردم شیعه لبنان علاقه دارند. (ابوالحسنی شیرازی، ۱۳۸۸: ۲۲۱). علاوه بر حزب الله که جریانی شیعه ۱۲ امامی است، جنبش انصارالله نیز که از جریانات زیدی می‌باشد نیز در اندیشه حکومت دینی، متأثر از اندیشه ولایت فقیه بوده و این موضوع را کتمان نمی‌کند و در مواضع و بیانات رهبران آن مشهود است. از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۲ «بدرالدین الحوثی» به همراه فرزندش «حسین الحوثی» به ایران سفر کرده و دروس تکمیلی را در حوزه علمیه قم فرا گرفته و پس از بازگشت به تبلیغ گسترده اندیشه‌های امام و انقلاب اسلامی پرداخت. «حسین الحوثی» (مؤسس انصارالله) در مورد امام می‌گفت: امام خمینی، امامی عادل و متقی است لذا دعوتش رد کردنی نیست. دیدیم امام خمینی چگونه غرب را شکست داد، چگونه آن‌ها را وحشت زده کرد و چگونه به لرزه درآوردشان». «حسین الحوثی» که تحت تأثیر آموزه‌های امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی ایران بود توانست با زبان شیوا و ساده، افکار و اندیشه‌های امام خمینی و انقلاب اسلامی را به مردم یمن منتقل کند. (نجات، ۱۳۹۶: ۱۲۲). «حسین الحوثی» در کتاب خود به نام «تأثیر اندیشه‌های امام خمینی بر حسین الحوثی»، خود را مرید و ارادتمند امام خمینی (ره) معرفی می‌کند. از نشانه‌های تأثیر پذیری جنبش انصارالله از اندیشه‌های امام خمینی (ره) می‌توانیم به جایگاه برجسته آثار امام در کتب آموزشی انصارالله اشاره کرد تا جایی که کتاب اربعین امام خمینی (ره) در کنار نهج البلاغه و صحیفه سجادیه مورد توجه انصارالله می‌باشد. همچنین به هدایت «عبدالملک الحوثی» در مؤسسات فرهنگی این جنبش درسی به نام تجارب فرهنگی انقلاب ایران تدریس می‌شود. (میراحمدی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۵۹). «حسین الحوثی» در مسائل مختلف از جمله استقلال

طلبی، اسلام سیاسی، مردم سالاری، استکبار ستیزی و ظلم ستیزی همان مواضعی که انقلاب اسلامی مطرح می‌کند را سرلوحه اندیشه‌های خود قرار داده و آن‌ها را تبیین می‌نمود. (کوشکی، ۱۳۹۶: ۲۵۵)

جنبش جهاد اسلامی که امروزه نقش مهمی در روند مبارزه با رژیم صهیونیستی دارد، پیش از دیگر جنبه‌ها، آموزه‌های اسلامی را با گفتمان جهاد و مقاومت در آمیخت و از دیگر گروه‌های اسلام‌گرا متمایز شد، از این رو جهاد اسلامی هم پیمانی و همسویی با انقلاب اسلامی ایران در راه آزادسازی فلسطین و برپایی حکومت اسلامی در این سرزمین را یک اصل می‌داند. (سادات، ۱۳۹۴: ۸۷). به باور جهاد اسلامی، فهم تاریخ، ما را به این نتیجه می‌رساند که فلسطین مرکز مقابله تاریخی - مذهبی میان مسلمانان و یهودیان است. بر همین اساس رهبران جهاد اسلامی، احترام فراوانی برای انقلاب اسلامی ایران قائل بودند که در آن زمان در جهان عرب و نهضت‌های اسلامی سنی مذهب بی سابقه بود. آن‌ها انقلاب ایران را الگویی برای جهان عرب می‌دانستند و اصول رهبری و ولایت فقیه را هم، اگرچه از اصول مذهب تشیع بود، پذیرفتند.

۳-۴- سلطه ستیزی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نمادین انقلاب اسلامی ایران سلطه ستیزی و مقابله با ظلم بود. بر همین اساس مبارزه با دولت‌های ظالم و سلطه ستیزی از مهمترین تاثیر گذاری فکری گفتمان امام خمینی (ره) بر نهضت‌های دینی و محور مقاومت اسلامی بوده است. مخالفت با سلطه غرب، دومین اصل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی است که در عمل به صورت مخالفت با مداخلات نظامی غرب، بی‌اعتمادی به سازمان‌های بین‌المللی، مخالفت با حضور نظامی آمریکا در خاورمیانه، بی‌اعتمادی به متحدان منطقه‌ای غرب، حمایت از سیاست‌های ضد سلطه در جهان و مخالفت با اسرائیل به عنوان ادامه فرهنگی و سیاسی غرب در جهان اسلام جلوه گر شده است. (قهرمانپور، ۱۳۹۴: ۲۲۹-۲۲۲). این سلطه ستیزی از سوی رهبران مقاومت فلسطین و یمن در مقابله با سلطه رژیم‌های سلطه گر خاورمیانه و قدرتهای بزرگ مورد توجه قرار گرفته است. «حسین الحوثی» از روش زندگی و شعارهای امام خمینی (ره) الگو گرفته است و به عنوان مفسر قرآن، تفسیر «اعدلوا هو اقرب للتقوی» و «ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا» را در روش مبارزه و جهاد امام خمینی (ره) می‌دانست، تا جایی که می‌گفت: «دیدیم امام خمینی چگونه غرب را شکست داد، چگونه آنها را وحشت زده کرد و چگونه به لرزه درآورد» (دارا، ۱۳۹۴: ۱۴۰). شهید «فتحی شقاقی» دبیرکل اسبق جهاد اسلامی نیز در این خصوص معتقد بود: «انقلاب اسلامی ایران

تأثیر مهمی بر جنبش‌های اسلامی در همه جا و از جمله جنبش‌های اسلامی اراضی اشغالی (فلسطین) داشت. چه این انقلاب آمد تا دلیلی بر امکان پیروزی اسلام بر ظلم و قهر و برپایی دولت اسلامی ارائه دهد. انقلاب اسلامی نمونه‌ای برای تمامی جنبش‌های اسلامی گردید.» وی همچنین اعتقاد داشت: «هیچ چیز به اندازه انقلاب اسلامی امام خمینی نتوانست ملت فلسطین را به هیجان درآورد و احساسات آنها را برانگیزد و امید را در دل‌هایشان زنده کند. با پیروزی انقلاب اسلامی ما به خود آمدیم و دریافتیم که امریکا و اسرائیل نیز قابل شکست هستند» (خدادادی، ۱۳۸۳: ۷۸).

۴-۴-۴ وحدت‌گرایی اسلامی

یکی دیگر از مبانی جریان جهاد اسلامی که برگرفته از اندیشه امام خمینی (ره) بوده است، مسئله وحدت فرق اسلامی است. «فتحی شقاقی»، انقلاب ایران را یک انقلاب اسلامی سنی و شیعی معرفی می‌کرد. (جاویدی، ۱۳۹۳: ۷۹). یکی از عوامل تأثیرگذار در جذب «فتحی شقاقی» به اندیشه امام خمینی (ره) منطق وحدت‌بخش آن در گفت و گوی با امت اسلامی است. «شقاقی» در این باره می‌گوید: «انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب اسلامی به معنای وسیع قرآنی است... وجوه مشترک میان دو بال مسلمانان، تسنن و تشیع، پیکره این انقلاب را بر اساس خاستگاه‌ها، هدف‌ها، ابزارها و انگیزه‌های آن تشکیل می‌دهند. (سادات، ۱۳۹۴: ۹۰)

«شقاقی» معتقد بود مسئله مهمی که در اندیشه امام خمینی (ره) و عملکرد حرکت اسلامی در ایران قابل تأمل است، موضع‌گیری ایشان در برابر مسئله فلسطین است. وی بیان می‌داشت؛ امام خمینی (ره) ماهیت و نقش استعمار و چالش معاصر غربی علیه اسلام و تهاجم فرهنگی پس از آن را دریافته بود. در عین حال وی متوجه شد که اسرائیل، نمایش واقعی این چالش و بلکه شدیدترین چالش حضور است. «فتحی شقاقی» عنوان می‌نمود رابطه حرکت اسلامی ایران و فلسطین از همینجا نشأت می‌گیرد. چرا که امام خمینی (ره) فتوا دادند که اسرائیل باید از بین برود و اعلام کردند که به مبارزه مسلحانه فلسطین کمک می‌کند. (جاویدی، ۱۳۹۳: ۸۴)

حمایت‌های امام خمینی (ره) از فلسطین و آرمان‌رهای قدس شریف که در مواضع وی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و پس از پیروزی انقلاب اسلامی هویدا است، موجب شد که مردم فلسطین و جنبش‌های اسلامی از جمله جهاد اسلامی فلسطین به انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک الگوی موفق اثرگذار بنگرند و به عنوان یک متحد راهبردی مواضع خود را با انقلاب اسلامی همسان سازند. «ابولؤلؤ»، از رهبران جهاد اسلامی فلسطین، می‌گوید: «در حقیقت ایران، مسلمانان دیگر را زنده کرد. فلسطینی‌ها همواره به ایران نگاه می‌کنند و ایران اراده مستضعفان است. ایران

قدرت اسلامی را در جان‌های مسلمانان بیدار کرد. پیروزی انقلاب اسلامی عامل عمده‌ای در تشکیل جهاد اسلامی فلسطین و پیدایش انتفاضه بود که نیروی ایمان را در درون مسلمانان زنده کرد.» (خدادادی، ۱۳۸۳: ۷۹)

۵-۴- نمادگرایی اسلامی و شیعی

انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب نمادین و نمادساز بود که امام خمینی (ره) از عناصر نمادین اسلام نظیر شهادت و ایثار در مبارزه با رژیم پهلوی بهره می‌گرفت (استوار و شاه علی، ۱۴۰۱: ۶۷). علاوه بر عناصر نمادین اسلامی، تصویر امام خمینی (ره) در بالای روزنامه «العهد» حزب الله و همچنین تصاویر متعدد امام خمینی (ره) و آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) در دیوارهای حومه جنوبی بیروت و بعلبک، حمل تمثال رهبران انقلاب ایران در راهپیمایی‌های انصارالله، نشان‌دهنده اثرگذاری رهبران ایران، به عنوان ولی فقیه در این جنبش‌ها می‌باشد. فرهنگ جهاد و مقاومت و شهادت یکی از مؤلفه‌های بنیادی انقلاب اسلامی است که در جبهه مقاومت تداوم یافته است که با تاکید بر سبک زیست اسلامی و بومی در برابر زیست غربی و ایستادگی مقابل قدرت‌های هژمون نظیر آمریکا به تقویت جریان‌های مقاومت در جهان اسلام و خاورمیانه منجر شده است. (نصر اصفهانی، ۱۴۰۱: ۶۹-۶۸). از جمله نمادهای اسلامی ایرانی نوع حجاب اسلامی ایرانی است که برخی از زنان شیعه لبنان به تبعیت از زنان ایرانی حجاب چادر را انتخاب کرده‌اند. همچنین برگزاری تظاهرات، جشن‌های اعیاد اسلامی، روز قدس، مراسم عزاداری اهل بیت علیهم‌السلام، نشانگر تأثیرپذیری این جریان‌ها از انقلاب اسلامی ایران است. به کارگیری ادبیات مستضعفین در برابر مستکبرین که در اولین ایستگاه رادیویی حزب الله به عنوان «صوت المستضعفین» تجلی یافته و شعار معروف انصارالله (تحت عنوان ندای الصرخه) با الهام و تأثیر پذیری از اندیشه‌های بلند ولی فقیه در ایران بوده است. (بهروز، ۱۳۹۸: ۴۲)

از سال ۱۹۷۹، شیعیان زیدی در فصل‌های تابستان اردوهای را برای دانش‌آموزان مقاطع مختلف دبستان تا دبیرستان برگزار می‌کنند که مخاطبین این اردوها از ۲۵ تا ۳۰ هزار نفر را شامل می‌شود در تمام این اردوگاه‌ها تمثال حضرت امام خمینی (ره) و حضرت آیت الله خامنه‌ای (ره) نصب می‌باشد. در این اردوها کتب شخصیت‌های برجسته‌ای همچون؛ شهید مطهری و شهید دستغیب تدریس می‌شود. شعار کلیدی که توسط «حسین الحوثی» ابداع گردیده و با عنوان «ندای صرخه» در تجمعات مردمی یمن در حال حاضر سر داده می‌شود، حاوی اندیشه استکبارستیزی و مبارزه با صهیونیسم، که از پایه‌های اندیشه امام خمینی (ره) است می‌باشد. (نجات، ۱۳۹۶: ۱۲۹)

«سید حسین الحوثی» فرهنگ عاشورا را که قبلاً در یمن نبود، به زیدیه تزریق کرد و محرم را به عنوان ماه عزادری مطرح و سعی کرد روش جدیدی در فرهنگ مردم ایجاد کند. استفاده از نمادگرایی شیعه، نهضت عاشورا، استفاده از شعارهای امیدبخش ملهم از نهضت انتظار، توجه به مفاهیم قرآنی همانند؛ نبرد مستضعفین و مستکبرین، استیلای مستضعفین بر عالم، جهاد، شهادت، پیروزی در هر صورت (چه بکشیم یا کشته شویم) در جهاد در برابر مستکبران عالم، روحیه ایثار، شهادت، مقاومت، استکبارستیزی، احیای هویت دینی و بازگشت به خویشتن، حمایت از مظلومان، مبارزه با صهیونیسم، عدالت‌طلبی، استقلال‌خواهی و مقاومت در برابر ظلم، حمایت از جنبش‌های آزادیبخش و ... از مظاهر قدرت نرم ولی فقیه می‌باشد که بستر ساز نفوذ انقلاب اسلامی و اندیشه مقاومت در منطقه خاورمیانه و غرب آسیا شده است.

نتیجه

ولایت فقیه در عصر حاضر، با نوآوری‌ها و نظرات حضرت امام خمینی (ره) نمایی جدید یافته و در تراز یک نظریه عملیاتی، اثرات شگرفی در نگرش نخبگان جهان اسلام به جا گذاشته که منشأ جریانات و جنبش‌های مقاومت در جهان اسلام شده است. در نتیجه جمهوری اسلامی به عنوان برون‌داد ملموس نظریه ولایت مطلقه فقیه، با بهره‌گیری از منابع قدرت نرم خود، ضمن صدور آراء و اندیشه‌های امام خمینی (ره) و آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی)، بسترهای لازم را برای ظهور و بروز این اندیشه در جوامع هدف مهیا کرده است. یکی از این منابع قدرت، فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی است و از سوی دیگر دین و مذهب نیز به عنوان مهم‌ترین کانون ساطع‌کننده ارزش‌ها و باورها می‌باشند و ولایت فقیه با استفاده از ابزار در اختیار و منابع فرهنگی مشترک با جوامع اسلامی از قبیل؛ وحدت در عقیده (خدا، دین و پیامبر واحد) و تأکید بر وحدت‌گرایی نمادین و همچنین تبیین دشمنی‌های دشمن مشترک (استکبار جهانی و رژیم اشغالگر قدس) برای نخبگان و آحاد جامعه هدف و نمادگرایی اسلامی توانست جبهه‌ای فراگیر از فرق مختلف اسلامی، اعم از شیعه و سنی را در قالب یک گفتمان محوری تحت عنوان؛ مقاومت، گردهم آورده و برای تأمین منافع این جبهه تلاش نماید.

بدیهی است که به دلیل پیشگامی انقلاب اسلامی ایران در پیاده‌سازی این الگو تحت نام جمهوری اسلامی ایران، در جهان، هرگونه گسترش این مفاهیم چه در صحنه جغرافیایی و چه عمق‌یابی این اندیشه در افکار عمومی جهان اسلام، گامی اساسی در تأمین منافع ملی ایران نیز محسوب می‌گردد. حمایت ولی فقیه از حزب الله که اشتراکات گسترده عقیدتی (شیعه ۱۲ امامی)

و ... با ایران دارد تا حمایت از جهاد اسلامی و حماس اهل سنت، مؤید این نکته است. در واقع می‌توان ادعا نمود که قدرت بازدارندگی نظام اسلامی، منبث از قدرت نرم ولایت فقیه در خاورمیانه بروز و ظهور یافته است و ولایت فقیه از طریق کار فرهنگی و فکری، نمادسازی و حمایت به بسط و گسترش اندیشه خود در خاورمیانه و ایجاد هسته‌های مقاومت، اقدام نموده است. این اقدام علاوه بر اینکه موجب ایجاد هسته‌های مقاومت و ایجاد ساختارهای مشترک در جوامع هدف شده بلکه اهداف مشترک و اندیشه مشترک را هم افزا و در جهت تقابل با دشمن مشترک بسیج نموده است. با این حال این اثرگذاری با چالش‌هایی نظیر تعارض با دیگر هویت‌های مسلط جهان اسلام و قدرتهای بزرگ و محدودیتهای ساختاری، اقتصادی و منطقه‌ای روبرو است که گاه دولت‌ها را وادار می‌سازد که در سیاست‌های اعمالی تجدید نظر نمایند و مسیرهای متفاوتی را در حمایت از محور مقاومت در پیش گیرند.

فهرست منابع

۱. ابوالحسنی شیرازی، حبیب اله و رضایی جعفری، محسن، (۱۳۸۸). انقلاب اسلامی و جنبش حزب اله لبنان، نشریه مطالعات روابط بین الملل، شماره ۸.
۲. استوار، مجید و شاه علی، احمد رضا (۱۴۰۱). «تأثیر نمادین انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س ۱۲، ش ۴، زمستان ۱۴۰۱، صص ۵۵-۷۳.
۳. اطهری، سید حسین و کشاورز، حمیدرضا و راعی، فهیمه (۱۳۹۲). بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش‌های اخیر خاورمیانه با تأکید بر مفهوم اشاعه نظریه سازه‌نگاری، مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۵ و ۶، سال دوم.
۴. افتخاری، اصغر (۱۳۹۹). مقاومت در اسلام (نظریه و الگو)، چاپ اول، تهران: انتشارات اندیشه سازان نور.
۵. افتخاری، اصغر و همکاران، (۱۳۸۷). قدرت نرم (فرهنگ و امنیت)، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۶. باقری دولت‌آبادی، علی و بیگی، مهدی، (۱۳۹۹). انقلاب اسلامی ایران و تأثیرات آن بر شکل‌گیری و تقویت مؤلفه‌های قدرت نرم حزب اله لبنان، پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال سوم، شماره دوم، صص ۱۳-۳۶.
۷. برزگر، ابراهیم، (۱۳۹۴). نظریه‌های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.

۸. بهروز، صمد، (۱۳۹۸). مؤلفه‌های تأثیر گذاری حداکثری انقلاب اسلامی ایران بر حزب اله لبنان، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۲۸.
۹. جاویدی، رقیه، (۱۳۹۳). بازتاب انقلاب اسلامی بر سازمان جهاد اسلامی فلسطین، فرهنگ و پژوهش، شماره ۱۸.
۱۰. جوادی ارجمند، محمد جعفر و محمدی مصیری، علی (۱۳۹۸). خاستگاه اندیشه مقاومت در ایران، پژوهش‌های سیاست اسلامی، شماره ۱۶، سال ۷.
۱۱. حسن نیا مقدم، سیدعباس و قائدی، محمدرضا و دهشیری، محمدرضا و کشیشیان سیرکی، گاوینه، (۱۳۹۹). بررسی مؤلفه‌های راهبردی مقاومت در اندیشه مقام معظم رهبری، پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۴۵، سال ۱۱.
۱۲. خدادادی، محمد اسماعیل، (۱۳۸۳). شکل‌گیری انتفاضه فلسطین زمینه‌ها و چرایی، نشریه انسان پژوهی دینی، شماره ۱.
۱۳. خمینی، روح‌اله، (۱۳۷۱). صحیفه نور، جلد ۱۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۴. دارا، جلیل و بابایی، محمود، (۱۳۹۴). بازخوانی جنبش انصاراله یمن در بستر انقلاب اسلامی ایران، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۱۵، سال چهارم.
۱۵. داوند، محمد و داوند، حجت و اسلامی، محسن (۱۳۹۷). تأثیر انقلاب اسلامی بر هندسه قدرت مقاومت اسلامی در غرب آسیا، مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۲۵، سال هفتم.
۱۶. دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۰). بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل، چاپ دوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۷. رنجکش، محمدجواد (۱۳۹۸). بررسی تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های بیداری اسلامی با تأکید بر مفهوم اشاعه سبزه‌انگاری، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، دوره ۸، شماره ۱، صص ۵۱-۷۴.
۱۸. سادات، سید احمد (۱۳۹۴). روابط جمهوری اسلامی ایران با جنبش‌های مقاومت اسلامی فلسطین با تأکید بر جهاد اسلامی، مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۶، سال ۴.
۱۹. صلح میرزایی، سعید، (۱۳۹۸). اندیشه مقاومت از منظر حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، چاپ اول، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.

۲۰. عسگری کرمانی، محمد و حسین معین آبادی بیدگلی (۱۴۰۰). بررسی مجموعه امنیتی خاورمیانه و شناخت ائتلافها و تهدیدها با تأکید بر نقش ائتلاف محور مقاومت در مناسبات آن مجموعه، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۱۲۹-۱۴۷.
۲۱. عظیمی دولت آبادی، امیر و سیف، زهره (۱۳۹۶). بررسی مقایسه‌ای جنبش حزب اله لبنان و انصاراله یمن، اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۱۱.
۲۲. قهرمانپور، رحمن (۱۳۹۴). هویت و سیاست خارجی در ایران و خاورمیانه، چاپ اول، تهران: انتشارات روزنه.
۲۳. کربلایی پازوکی، علی و قانعی اردکانی، مهدی و حسن زاده، صالح (۱۳۹۸). تأثیر مبانی کلامی امامیه بر پیدایش حزب اله لبنان، مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۵۷.
۲۴. کوشکی، محمد صادق و نجابت، روح اله (۱۳۹۶). تأثیر پذیری مفهومی و روشی انصاراله یمن از انقلاب اسلامی ایران، نشریه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۲۲.
۲۵. متقی، ابراهیم (۱۳۹۷). «عملگرایی راهبردی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)»، همایش انقلاب اسلامی در منظومه فکری امام خمینی (ره) از نظریه تا عمل، تهران: مرکز فرهنگی دانشجویی امام، ولایت فقیه و انقلاب اسلامی. صص ۲۹۷-۳۱۷.
۲۶. میر احمدی، منصور و احمدوند، ولی محمد (۱۳۹۴). هویت و مبانی فکری جنبش انصاراله در یمن، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۲ و ۳.
۲۷. ناظمی اردکانی، مهدی و خالدیان، صفرعلی (۱۳۹۷). مؤلفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در جهان اسلام، شماره ۲، سال هفتم.
۲۸. نجابت، سیدعلی (۱۳۹۶). بازتاب انقلاب اسلامی بر جنبش انصاراله یمن، مطالعات خاورمیانه، شماره ۳ و ۴.
۲۹. نصر اصفهانی، محسن (۱۴۰۱). تأثیر نقش مفهومی انقلاب اسلامی بر هویت خواهی شیعیان یمن با تأکید بر جنبش الحوثی، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، دوره یازدهم، شماره ۱، صص ۵۵-۷۵.
۳۰. هدایتی شهیدانی، مهدی و بابایی، محمد رضا (۱۳۹۹). محور مقاومت شرحی بر ویژگی‌ها و وجوه مختلف، چاپ اول، تهران: اندیشه سازان نور.

31. Brian Katz (2018). Axis Rising: Iran's Evolving Strategy and Non-State Partnership in the Middle East. CSIS: Center for Strategic and International Studies.

32. Carrette, Jeremy R. "Prologue to a Confession of the Fiesh" in Religion and Culture: Michel Foucault, ed. Jeremy R. Carrette (New York: Routledge, 1999).
33. Keddi, Nikki. (1995). Iran and Muslim Word: Resistance and Revolution. London: MaCmilaN.
34. Nye. J.S. (1990). Soft Power, Foreign Policy, (80). 153-171.